

بسمه تعالی

اشاره :

آنچه پیش رو دارید متن پیاده شده سخنرانی دکتر صفار هرندی عضو ممتز مجمع تشفیص مصلمت نظام در تاریخ ۹۹ / ۶ / ۲ در سازمان بسیج اساتید می باشد که تمت عنوان «جریان تمریف و نسبت آن با تمریم» ایراد شده است نظر به اهمیت موضوعات مطرح شده در این سخنرانی متن جهت بهره برداری مسئولین و اعضای شبکه ملی قدرت نزه تقدیم می گردد.

جریان تحریف و نسبت آن با تحريم

تحریف در معنای تحت اللفظی آن به معنای حرف را برگردانیدن و جابجایی کلام است و به تعبیر قرآن "یحرفون الکلام عن مواضعه" یعنی حرف را از جای خودش عوض کردن، می باشد. یهود و نصارا در قرآن متهم به این کار بودند زیرا در تحریف گری ید طولایی داشتند. این بلایی بود که بعدها بر مسلمانان هم آمد و کسانی بر سر آیین و مضامین عالی اسلام آوردند. یکی از مصادیق این بلا قصه کربلا است که دستگاه خبیث بنی امیه علیه خاندان عصمت و طهارت به بهانه تحریف ایجاد کرد. بهانه ای که

ظاهرش هم درست بود یعنی این که خروج علیه امام مسلمین مجازات مرگ را دارد ولی در تحریف آمدند و امام حسین علیه السلام را متهم به این خروج کردند. خروج علیه چه کسی؟ امام مسلمین در این جا چه کسی است؟ یزید! در واقع یک مفهومی را که معنای اسلامی دارد به لحاظ تطبیق مصداق روی امام برحق آوردند و ایشان را امام خروج کرده ی بر علیه دین جدش معرفی کردند. همانطور که قبلاً نیز در مورد امیرالمومنین علی علیه السلام این کار را کرده بودند ایشان را طوری جلوه داده بودند که با دین و مسجد و محراب و نماز اصلاً نسبتی ندارد. لذا وقتی امام شهید شد عده‌ای گفتند مگر علی مسجد هم می رفته؟ مگر علی نماز هم می خوانده؟

تحریف معنوی خطرناک ترین نوع تحریف

خطرناک ترین بخش تحریف جایی است که تحریف معنوی صورت می‌گیرد زیرا در تحریف ظاهری، خیلی زود موضوع روشن و برملا می شود چون عیان و آشکار است اما گاهی تحریف ناظر به یک واقعه ای است با یک روایت جعلی . مثلاً در همین موضوع تحریفات عاشورا از استاد شهید مطهری، که می گوید چطور جماعتی رشادت آل الله را دستمایه ای برای اغراق گویی قرار دادند.

پیچیده ترین بخش تحریفات، تحریفات معنوی است مثلاً در دوره خودمان یکی از این نوع تحریف ها مطرح کردن مذاکره امام حسین علیه

السلام با عمر سعد در روز عاشورا برای جا انداختن موضوعی مثل برجام و مذاکرات بود. حال آن که مضمون مذاکره از ناحیه امام در واقع دعوت عمر سعد به ترک فعل دنیا طلبی بود. صورت دعوت، مذاکره است اما محتوای آن نهی از دنیا طلبی است اما حالا یک کسی می‌خواهد ثابت کند که مذاکره با دشمن و برای سازش از سوی اولیای خدا هم اتفاق افتاده است. لذا می‌آید یک چنین دروغی را به سالار شهیدان نسبت می‌دهد. این تحریف خیلی خطرناک است چون ساحت و اقیات را هدف قرار می‌دهد.

نسبت تحریف با تحریم

نسبت تحریف با تحریم چیست؟ معتقد هستیم که گاهی تحریف مقدمه تحریم است. یعنی تحریم برای جا افتادن و اثربخش شدن به تحریف نیاز دارد. در واقع تحریم به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه گاهی باید ابتدا تحریم اعمال شود و سپس بلندگوهای راه بیفتند و این تحریم را در افکار عمومی جا بیاندازند مثل این که بگویند مردم می‌دانید چرا تحریم شکل گرفته است؟ برای این که شما بر سر موضع انقلاب بر سر موضع حق، مبارزه و مقاومت ایستاده‌اید و تاوان این ایستادگی، تحریم شدن است.

تحریم های سنگین در موج جدید عملا بعد از ۹ دی سال ۸۸ آغاز شد. این نکته ای که می‌خواهم عرض کنم مستند به سندی است که وزرای دفاع ناتو در یک نشست در اروپا در همان سال ۸۸ اعلام کردند مبنی بر این که آمارهایی که از ایران می‌رسد نشان می‌دهد که مردم ایران علیرغم

آشوب‌ها و شورش‌ها، در ۹ دی به خیابانها آمده و آنقدر جمعیت زیاد است که دیگر نمی‌توان گفت فقط یک گروه از مردم برای حمایت از نظام آمده‌اند بلکه گویی همه مردم آمده‌اند و خط بطلان روی همه اتفاقات حوادث چند ماه گذشته کشیده‌اند. بنابراین ما دیگر روی انقلاب رنگی در ایران نمی‌توانیم حساب کنیم و این موضوع تقریباً تمام شده است. در آن جلسه می‌گویند حالا باید دنبال راه‌های دیگری باشیم و از میان چند راه پیشنهادی مسئله تحریم را موثرتر یافتند. برای این که تجربه سایر اقدامات مثل تجزیه طلبی یا جنگ تمام عیار را ناموفق دیده و حالا رسیده‌اند به تحریم.

در این نشست در پاسخ به این سوال که این تحریم‌ها چه اثری می‌تواند داشته باشد سه مسئله مطرح می‌شود :

۱- تحریم، هیبت رهبری ایران را به عنوان یک منجی که معادلات را به نفع کشور و مردم تغییر می‌دهد جابجا می‌کند .

در این جلسه مطرح می‌شود که رهبری در ایران می‌گوید مقاومت سبب موفقیت میشود ولی ما با تحریم ثابت می‌کنیم که مقاومت باعث فلاکت می‌شود. در این وضعیت صدای مردم در می‌آید و می‌گویند گویی رهبری دارد اشتباه می‌کند. در واقع درست مانند آن چیزی که برای بعضی خواص اتفاق افتاد. خواصی که بعضاً در گذشته سوابق خوبی هم داشتند ولی آرام

آرام نسبت به رهبری در فتنه ۸۸ دچار تردید و تشکیک شدند. پس اول متزلزل کردن ایمان مردم نسبت به رهبری و مرکزیت نظام .

۲- مردم نسبت به صحت راه اصلی و اصیل انقلاب دچار تردید می شوند.

اینگونه القا می کنند که اصل انقلاب، اشتباه بوده و یک عده ای هم که واقعاً در اثر افزایش فشارها به سختی و بن بست رسیده اند می گویند بله اصلاً اشتباه کردیم که انقلاب کردیم در واقع بدبختی ها را محصول انقلابی گری معرفی می کنند پس دوم آن که تحریم سبب می شود مردم به این ارزیابی غلط برسند.

۳- تحریم موجب تشدید اختلاف میان مسئولان و زمامداران می شود.

در این جا مثلاً یک عده ای در داخل کشور آمدند گفتند این راه حل هایی که تا الان بوده جواب نداده است، حالا یک بار هم بیاییم مذاکره را امتحان کنیم، برویم حرف بزیم شاید نتیجه داد، که در این حالت، جماعتی رندانه این نگاه را غالب کردند و نماد تحریف برای غلبه بر تحریم شدند. این جماعت گفتند، کسانی که قبلاً انتخاب شده بودند زبان سخن گفتن با دنیا را بلد نبودند و مسبب این شرایط شدند ولی ما حرف زدن با دنیا را بلد هستیم و می توانیم شرایط را عوض کنیم. اینجا یک تحریف خیلی بزرگ اتفاق افتاد گویی مصائبی که بر مردم وارد شده محصول ندانستن زبان دنیا بوده است. محصول حرف نزدن با زمامداران مسلط عالم بوده است. گفتند چون شما رابطه با کد خدا ! را نادیده گرفته اید

پس حالا باید تحمل کنید ! البته امروز خلاف بودن این حرف ها در هفت سال اخیر بر همگان آشکار شده است ولی در عین حال یک عده ای که نمی خواهند از حرف های قبلی شان پایین بیایند می گویند دیگران نگذاشتند که اینها کار کنند، اگر می گذاشتند کار را تمام کرده و نتیجه می گرفتند، یعنی تحریف دیگری روی تحریف قبلی، یک دروغ روی دروغ های قبلی .

اختلاف میان مسئولان و مقامات زمینه های قبلی دارد اما وقتی فشار تشدید می شود آن زمینه ها برجسته می شود مثلاً یک فردی آدم انقلابی تمام عیاری نبوده است اما به هر تقدیر خودش را همراه انقلاب می کشیده ولی حالا وقتی فشارها خیلی سنگین می شود این آدم کم می آورد و بریده می شود مثل یک دسته از کوهنوردانی که در طول مسیر گروه گروه می شوند یک عده آن جلو با سرعت حرکت می کنند یک عده در میانه راه آرام تر می روند یک عده هم اصلاً کم می آورند و می گویند ما دیگر نمی توانیم برویم خلاصه از حرکت می افتند. کاری که تشدید تحریم ها انجام داد این بود که بعضی از مسئولان را که زمینه های سازش در آنها وجود داشت اما زمینه بروز نداشت را به جایی رساند که گفتند آب خوردن ما هم محتاج به بیرون است. یعنی مجبوریم دستانمان را به بیرون دراز کنیم. اگر چه آنها را بد می دانیم ولی چاره ای جز دست به بیرون دراز کردن نداریم! در واقع شدت تحریم اینگونه خصلت های پنهان شده در پس ذهن و دل افراد را در این مقاطع آشکار می کند تحریف در رساندن افراد به این نقطه بسیار موثر

است یا مثلاً این که گفته می شود اگر آمریکا یک بمب بیاندازد تمام تاسیسات دفاعی ما از بین می رود پس ما در مقابل آمریکا قدرتی نداریم این تحریف واقعیت است ، واقعاً اگر چنین اتفاقی هم رخ می داد تمام ظرفیت های دفاعی ما از بین می رفت ؟ بعداً وقتی این آقا را بردند و بخشی از تاسیسات و توان دفاعی کشور را به وی نشان دادند گفته بود من از این مسائل خبر نداشتم!

تحریف محصول ناآگاهی افراد نسبت به واقعیات است.

تحریف محصول ناآگاهی افراد نسبت به واقعیات است. واقعیت آن است که ما امکانات دفاعی مان را در نقطه ای بنا نهاده ایم که اگر در آن نقطه ده تا هم آسیب هم ببیند، صدها مورد دیگر همچنان فعال است. واقعیت این است که اگر به ما ضربه بزنند ما می توانیم ضربه متقابل را بزنیم.

مثلاً در دوران دفاع مقدس یک تحریف از واقعیت را به صدام القا کردند به گونه ای که فکر می کرد اگر به ایران حمله کند کار ایران تمام است، ولی وقتی وارد تهاجم شد با واقعیت صحنه مواجه شد واقعیت صحنه چیزی غیر از آن تحریف بود. در پایان جنگ هم تحریف دیگری کردند و گفتند نامه مرحوم آقای هاشمی به صدام بود که باعث شد صدام همه چیز را دودستی تحویل ایران بدهد. یعنی اثر این نامه بود که صدام را تسلیم کرد. تحریف یعنی این. البته صورت ظاهر کار درست بود یعنی در واقع بعد از این نامه نگاری است که صدام می گوید هواپیماهایم را برای امنیت به

ایران می فرستم یا تمام شرط های شما را می پذیرم یا اسرا بلا شرط آزاد می شوند یا شروط مرزی شما را قبول دارم اینها درست است اما سخن این است که آیا اینها همه محصول یک نامه بود یا محصول ۸ سال مقاومت و ایستادگی ؟ این ها محصول کوتاه نیامدن در ۸ سال دفاع مقدس بود . جنگ و مقاومت را می توان تحریف کرد دستاوردهای جنگ را هم می توان تحریف کرد ولی وقتی شما واقعیات را درست بازخوانی کنید زمینه تحریف از بین می رود وقتی جلوه مقاومت و ایستادگی از ایران ظاهر شد دشمن به این نتیجه رسید که ایران شیر خفته ای بوده حالا بیدار شده است و دیگر نمی توان با آن درگیر شد لذا عقب نشینی کرد و از آن زمان به بعد هم دیگر هیچ جنگی علیه ایران شکل نگرفت.

بزرگنمایی در قدرت آمریکا یک نمونه تحریف است

یکی از کارهایی که در تحریف گری به خصوص در دوره اخیر خیلی زیاد انجام می شود بزرگنمایی قدرت آمریکا است ما در این موضوع تردید نداریم که آمریکا یک کشور قدرتمند است ولی مقام معظم رهبری یک تعبیری داشتند و آن این که ما به نسبت ۴۰ سال پیش خیلی قوی تر شده ایم و آمریکا نسبت به گذشته خودش خیلی ضعیف تر شده است . این یک واقعیت است که شما باید کدهای آن را فراهم کنید که من در این جلسه چند کد به شما نشان می دهم در سال ۱۳۵۵ تولید ناخالص داخلی آمریکا به ۳ هزار میلیارد دلار می رسید یعنی ۳ تریلیون دلار، همان زمان وقتی

صحبت از بدهی های آمریکا می شد این رقم یک دهم تولید ناخالص داخلی بود مثلاً ۳۰۰ میلیارد دلار، اما امروز تولید ناخالص داخلی آمریکا ۷ برابر آن زمان شده است یعنی ۲۱ هزار میلیارد دلار یا ۲۱ تریلیون دلار، اما بدهی هایش چطور شده است ؟ آیا ۷ برابر شده ؟ امروز بدهی های آمریکا به ۲۶ هزار میلیارد دلار یا ۲۶ تریلیون دلار رسیده است یعنی ۱۰ برابر بیشتر. پس به لحاظ اقتصادی آمریکا قوی تر نشده بلکه ضعیف تر شده است برای همین است که امروز آمریکا آن خاصه خرجی هایی که در دهه ۶۰ یا ۷۰ میلادی داشت را دیگر ندارد امروز هر جا می رود اول می گوید پولش را بدهید، به گاو شیرده یعنی عربستان هم می گوید پول بده تا امنیت را تامین کنم امروز آمریکا در باتلاق گیر افتاده و کسی که در باتلاق در حال فرو رفتن است و دستش را دراز میکند در واقع می خواهد خود را نجات دهد لذا به کسی که در حال غرق شدن در باتلاق است نباید نزدیک شد آمریکای پیشین آمریکایی بود که وقتی اراده می کرد حکومت یک کشوری عوض شود عوض می شد حالا یا با کودتا یا با هر مسئله دیگری ، اما در دوره جدید چطور ؟ آمریکا اراده کرده بود در منطقه غرب آسیا حکومت های محلی را تجزیه کند و ۴۰ کشور در منطقه ایجاد کند، در جنگ و فتنه سوریه اراده کرده بود سوریه را به ۴ کشور تبدیل کند عراق را به ۴ کشور یا ایران و افغانستان هم همین طور ولی موفق نشد یا تجزیه یمن به چند کشور ، ولی در هیچ کدام موفق نشد و این یعنی آمریکای امروز آمریکای دیروز نیست.

در تحریف، واقعیت امروز آمریکا را نمی گویند بلکه می گویند مگر می توان با آمریکا سرشاخ شد؟ بله می شود. این که حاج قاسم سلیمانی شهید عزیز ما فرمود «من برای شما کافی هستم»، این عرض اندام و رجزی که حاج قاسم می خواند می خواست بگوید من که یک سردار تحقق بخش جریان انقلاب و مقاومت هستم این مقدار از من بر می آید. حالا ببینید اگر همه این ظرفیتها کنار هم قرار بگیرد چه اتفاقی می افتد؟ پس آمریکا به لحاظ سیاسی هم آمریکای سابق نیست در همین قضایای اخیر ببینید آمریکا می خواست در شورای امنیت با تمديد تحریم تسلیحاتی ما را زمین بزند ولی کمر خودش با خاک آشنا شد، آمریکا سر سوژه کشور دومنیکن خیلی مضحکه شد. آمریکا سابقا منویاتش توسط وتوی ابرقدرتها به هم می ریخت به واسطه کشورهایی که متحدانش بودند ولی حالا همین کشورها می گویند با تو در این مسیر نمی آییم.

البته در مورد اروپا هم نباید ساده لوحی به خرج داد باید مراقب بود که اروپا دنبال چه شیطنتی است که این گونه رفتار می کند؟ به هر حال آمریکا کارش به جایی رسیده که متحدی مثل دومنیکن در کنارش قرار گرفته است پس آمریکای سیاسی هم دیگر آمریکای سابق نیست و این یک واقعیت است.

واقعیت در مورد جمهوری اسلامی ایران این است که امروز وقتی گزارش اوضاع و احوال کشورهای جهان ثبت می شود می گویند ایران رتبه چهارم

نانو تکنولوژی، رتبه هشتم هوافضا، رتبه دهم بیوتکنولوژی، رتبه پانزدهم پیشرفت علمی در جهان است و این یعنی ایران عوض شده است و ما دیگر ایران سابق نیستیم بلکه یک ایران جدید هستیم قدرت علمی ما قدرت تبدیل شونده به تکنولوژی و فناوری است و حاصل آن این می شود که هواپیمای فوق استراتژیک آمریکا را می زنیم و همه می گویند چگونه زدید؟ می گوییم تازه ما با تکنولوژی روزآمدان نزدیکیم بلکه با یک سامانه معمولی سوم خرداد قدیمی زدیم، سامانه های بعدی ما به مراتب از این پیشرفته تر هستند که این موضوع حتی دوستان ما را هم به حیرت وا داشته بود.

اینستکس و F.A.T.F مصادیق دیگر تحریف

تحریف می گوید رمز حل مسائل و مشکلات ما در پیوستن و ارتباط با اروپا است. همان اروپایی که می گوید از طریق اینستکس مشکلات پولی و مالی شما را حل می کنم و حال آن که کل اینستکس یک ظرفیت چند میلیون دلاری است. یعنی در حالی که ما این جا حرف از میلیارد می زنیم اروپا به ما حواله چند میلیونی می دهد!

یکی دیگر از موارد تحریف تلاش برای پیوستن ما به F.A.T.F بود و حال آن که در واقع این مسئله برای پیدا کردن رد پای مالی ما بود برای آن بود که ما دیگر نتوانیم پول به داخل کشور منتقل کنیم ولی جماعتی در داخل

کشور می گفتند به F.A.T.F بیوندیم تا بتوانیم پول وارد کشور کنیم که این یک تحریف بود .

رابطه تحریف با تحریم در این مسئله چگونه است ؟ جریان تحریف می گوید حاصل تحریم های من در گذشته این شده است که ایرانی ها الآن به این نقطه برسند که عطش برای چند میلیون دلار در اینستکس دارند پس اگر شدت تحریم ها بیشتر شود حرص و ولع در ایرانی ها برای ارتباط گرفتن با ما بیشتر می شود و این همان اثر بخشی تحریف در موضوع تحریم است .

صحبت در مورد تحریف و رابطه آن با تحریم زیاد است که انشاءالله در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت.